

شب دوازدهم

ویلیام شکسپیر

ترجمهٔ میلاد مینا کار



بنگاه ترجمه و نشر
کتاب پارسه

شب دوازدهم

یا

آنچه خواست شماست

شخصیت‌های نمایش

اورسینو [Orsino]، دوک ایلیریا

سباستین [Sebastian]، برادر دوقلوی ویولا

آنتونیو [Antonio]، ناخدا، دوست سباستین

ناخدا [Sea Captain]، دوست ویولا

والنتین و کیوریو [Valentine and Curio]، ملازمان نژاده

اورسینو

سر توبی بلچ [Sir Toby Belch]، از خویشان نزدیک

اولیویا

سر آندرو اگیوچیک [Sir Andrew Aguecheek]، دوست

سر توبی بلچ

مال وُلِیو [Malvolio]، پیشکار اولیویا

فایبان [Fabian]، خدمتگزار اولیویا

فِسته [Feste]، دلچک اولیویا

اولیویا [Olivia]، کُنتس

ویولا [Viola]، خواهر دوقلوی سیاستین که بعدتر نام

سزاریو [Cesario] بر خود می‌نهد

ماریا [Maria]، ندیمه اولیویا

امرا، ملاحان، کشیش، افسران، خنیاگران و ملازمان.

صحنهٔ یکم

[کاخ دوک اورسینو.

دوک اورسینو و کیوریو به همراه سایر امرا وارد می‌شوند.

خنیگران در حال نواختن‌اند.]

اورسینو غذای عشق اگر موسیقی باشد، کماکان بنوازید، مرا
زیاده بدهید، چندان‌که اشباع شوم. بسا این اشتها گردد
دل آشوب و چنین فرو بمیرد! همان نغمه، دگر باره!
فرودی میران^۱ داشت. آه، چون نسیمی خوش^۲ به
گوشم شد دمنده در بنفشه‌زار، به یغما آوران نکهت.
نواختن بس، فرو دارید! نباشد خوش دگر مانند

پیش‌تر. ای جانِ عشق، چه چالاک و شادابی! گرچه تو راست و سعتی چو دریا پذیرا، اما هر آنچه ارجمند باشد و در عرش تو را درنیاید، مگر افتد ز رونق و بر فرش در دم. عشق را صور [خیالی] بسیاری است^۲، که بیش از هر چیز سخت و هم‌آلود می‌نماید.

کیوریو سرورم، قصد شکار ندارید؟

اورسینو شکار چه، کیوریو؟

کیوریو شکار آهو.

اورسینو خوب، من نیز در این کارم، به دنبال برترین شکارم. آه، زمانی که نخستین بار چشمانم اولیویا را دید، تو گویی هوای طاعونی را زدود. در آن گاه بود که من آهوئی گشتم و از آن‌پس آرزوهایم چون سگ‌های درنده‌خو و وحشی به دنبال شدند.^۴

[والتین وارد می‌شود.]

چه شد اینک؟ از او چه خبر؟

والتین خدیوم، عفو فرمایید. اذن دخولم ندادند لیک

ندیمه‌شان چنین پاسخ داد:

تا هفت تابستان فلک خود، روی ایشان را تماماً نمی‌بیند. و چون راهبه‌ای در حجاب قدم خواهند سود و روزی یک نوبت گوشه‌وکنار زاویه خویس را با اشک‌های شور چشم‌آزار، آب‌فشانی می‌کنند. تمامی این‌ها از برای پاسِ عشقِ مرده برادری است، که می‌خواهند در یادِ غمبارِ خود تازه و جاودان بدارند.

اورسینو آه، او که با این دل‌نازک، چنین ادای دین به عشق